

شرح حال، آثار و ویژگی های تفاسیر

سید عبدالله شبیر*

سید حبیب الله احمد پناه

نسب و خانواده

در مقدمه کتاب الجواهر الثمین نسب وی به نقل از علامه شیخ آقا بزرگ
طهرانی در اعلام الشیعة چنین آمده است:

عبدالله بن محمد رضا بن شبیر بن حسن بن احمد بن علی بن احمد بن
ناصرالدین بن شمس الدین محمد بن نجم الدین بن حسن بن محمد بن
حمزه بن احمد بن علی بن طلحة بن حسین بن علی عمر بن حسن
الاقطس بن علی بن زین العابدین علی بن حسین علی بن ابی طالب
علیهم السلام.

* این مقاله ترجمه و اقتباسی از مقدمه حامد حفنی داود، استاد زبان و ادبیات عرب در دانشکده
زبانهای قاهره، نیز از مقدمه سید جواد شبیر بر تفسیر علامه شبیر موسوم به تفسیر القرآن الکریم،
همچنین از مقدمه سید محمد بحر العلوم بر تفسیر و سیط علامه شبیر به نام الجواهر الثمین فی تفسیر
الکتاب المبین است.

سید جواد شبیر در مقدمه تفسیر القرآن الکریم نوشته است: داودی (م ۸۲۸ق) نسب شناس معروف، در کتاب عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب، نسب شبیر را به امام زین العابدین علیه السلام می‌رساند. با این تفاوت که در زنجیره نسب او برطله را پس از نام احمد بن علی آورده و گفته است در گذشته، بنی برطله منسوب به علی معروف به برطله بن حسین... بوده‌اند... و می‌نویسد نسب هر «شبری حسینی» به حسن اقطس می‌رسد و مرحوم شبیر را منسوب به او می‌داند^۱.

اولین کسی که از این خانواده برای کسب علم و معرفت به نجف اشرف هجرت کرده، سید محمدرضا، پدر این مفسر عالیقدر و یایای او محمد بوده است و خانواده‌اش به شبیر شهرت یافت^۲.

«آل شبر، یکی از خانواده‌های قدیمی عراق و از کهن‌ترین طوائف آن است و از نظر اصالت جایگاهی ویژه دارند و نیز از قدیمی‌ترین اقوامی‌اند که به آن سرزمین هجرت کرده‌اند و مقر اصلی آنان در حله فیحاء است. هنوز عده‌ای از آنان در آنجا ساکن و معروفند.»

«... و از خانواده‌های مشهور، حسینی شبری خانواده کسی است که شرح حال او را بیان می‌کنیم که در حقیقت با خانواده علمی و ادبی که دارای نیای شریف و نسب کریم است روبه رو هستیم. و شجره‌نامه کاملی از این خانواده شریف نزد علامه فاضل سید عباس شبیر ساکن بصره و قاضی شارع آن دیار می‌باشد. این شجره‌نامه را استاد عبدالرزاق العائش ادیب مصری نوشته و علامه و پژوهشگر شیخ محمد سماوی (م ۱۳۷۰ هـ) در سروده و شی النجف که در دارالنشر و التألیف در سال ۱۳۶۰ ق به چاپ رسیده است این خانواده

۲. تفسیر القرآن، ص ۵.

۱. الجواهر الثمین، ص ۱۴.

را در شمار خانواده‌های اهل علم آورده و گفته است:

و اسره الشبر الشریف و جامع الشتات بالتصنيف
 من کل فرد فاضل قد جمعا الی علومه التقوی و الورعا
 خانواده شریف شبر در انواع علوم، کتب مختلف تألیف کرده و هر فرد
 فاضلی از آنان، تقوی و ورع را با دانش خود جمع کرده است.»

ولادت و تربیت

مؤلف در ۱۱۸۸ ق در نجف اشرف متولد و به دست پدرش، علامه سید محمدرضا، تربیت شد. پرورش او از نوجوانی بر پایه تقوی و صلاح و دوستی علم و فضیلت بود. این سخن از او معروف است که پدرش او را در عنفوان جوانی فراخواند و گفت «مادامی که در درس و تدریس کوشا نباشی و وقت خود حتی یک روز آن را در راه درس به کار نبری، خوردن آنچه را که هزینه می‌کنم بر تو حلال نمی‌دانم.» آن چنان سخنان پدر در خاطر فرزند بود و از او جدا نمی‌شد تا اینکه دیده شد روزی دوایش را در مدرسه به دوستانش می‌فروشد. وقتی علت آن را جويا شدند گفت: «من امروز دچار مشکل بهداشتی بودم و برای من ممکن نشد که به درس‌هایم ادامه دهم (پس با توجه به سخن پدرم) در خانه پدرم چیزی نیافتم که خوردن آن بر من حلال و گوارا باشد.»

نکته مهم این حادثه، تربیت عالی دینی است که مؤلف از نظر اخلاق اسلامی و دوستی علم بر آن رشد و نمو یافته است. البته همین امر او را آماده کرد تا از بزرگان اسلام در آید و او را با نشانه تقوی آراست و

در چنان زمینه‌های عالی برجستگی ویژه داد به گونه‌ای که در همه آنها به او اشاره می‌شود.^۱

مربیان و استادان

علاوه بر پدرش که عالم متبحری بود، سید محسن اعرجی (م ۱۲۴۰ ق) صاحب الوسائل و الحصول فی علم الاصول و شرح الوافیة و نیز یگانه زمان خود شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء (م ۱۲۲۸ ق) مربیان و استادان او بودند.^۲

برخی منابع اضافه کرده‌اند که مؤلف از شیخ احمد زین الدین الاحسایی (م ۱۲۴۱ ق) اجازه نقل حدیث گرفته و تنها سید محمدباقر خوانساری صاحب روضات الجنات هنگام بیان شرح حال سید عبدالله شبر عده‌ای از استادانش را نام می‌برد و می‌نویسد:

... غیرانی رایت صورة له للسید السند التقی الصفی جناب السید محمد تقی سلمه‌الله... [جز اینکه من اجازه‌نامه نقل حدیث او را به سید سندتقی صفی (سروری که سخنش مستند و خدا ترس و پرهیزگار است) جناب سید محمدتقی - خدا او را سالم و ایمن نگه دارد، گمان می‌کنم که مراد آقا سید محمد تقی کاشی... باشد - در آن اجازه‌نامه مشایخ و استادان بزرگ خود را ذکر کرده است.]

نخست نام عالم شیخ جعفر نجفی رحمه‌الله و بعد نام امیر سید علی طباطبائی صاحب الرياض سپس نام احمد بن زین العابدین الاحسایی و بعد نام متبحر میرزا محمد مهدی شهرستانی راوی از محدث

۱. تفسیر القرآن، ص ۶.

۲. الجواهر الثمین، ص ۱۶.

بحرانی آنگاه نام فاضل محقق مدقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب القوانین را آورده است.^۱

جایگاه علمی

منابعی که شرح حال شبر را نوشته اند گفته اند او در بیش تر علوم اسلامی، فقه و اصول و حدیث و تفسیر و فلسفه و کلام و لغت و ادب و تاریخ و غیر آن مهارت داشته است. و کتابخانه های اسلامی را بسیاری از تصنیفات و تألیفات مفید و با ارزش علمی او پر بار کرده است. دست آوردهای علمی و تعداد تألیفات او بیش از هفتاد اثر است.^۲ جایگاه رفیع علمی او از سه دوره تفسیر و جیز (مختصر) و وسیط (متوسط) و کبیر آشکار می شود. تفسیر مختصر او بارها در تهران و قاهره و بیروت چاپ شده و سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی سر آن را به طور غیر مستقل ذیل تفسیر سواطع الالهام الفیضی مکتبه الالفین در کویت، آورده است و تفسیر متوسط او را به نام الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، چاپ کرده است و سید محمد بحر العلوم مقدمه گرانبار بر آن نگاشته است. علاوه بر کوشش او، پیوند معنوی وی در بالندگی علمی اش مؤثر بوده است به طوری که از او نقل شده است:

امام همام موسی بن جعفر علیه السلام را در خواب دیدم که به من قلمی داد و گفت بنویس [و] از آن زمان به انجام دادن این تألیفات موفق شدم.

شهرت علامه شبر در حدیث

وی معروف ترین مشایخ اجازه نقل حدیث در زمان خود بود و بیش تر اجازه

۲. تفسیر القرآن.

۱. همان، ۱۶.

حدیث متأخرین به او بر می‌گردد و نیز مرجع بزرگی برای طائفه امامیه از جهت تقلید و تدریس و استفاده علمی و اجازه حدیث بوده است.

سید معصوم در رساله‌ای که درباره زندگی او نگاشته چنین آورده است: همنشینان او چه بسا او را با قرائت متن روایت و قطع سلسله سند می‌آزمودند و او که خدایش مشمول رحمت خود فرماید سلسله سند را می‌آورد و به امام از اهل بیت صلوات‌الله علیهم می‌رساند و این کار بارها از ناحیه او و آنان تکرار می‌شد به گونه‌ای که از حد شمارش می‌گذشت و این به ما می‌فهماند که او دارای حافظه قوی و اطلاعات وسیع بود. تسلط فوق‌العاده شبر در حدیث در زمانی که تقریباً کاظمین تبدیل به یکی از پایگاه‌های اخباری‌ها شده بود با تفکر و اندیشه خطرناکی که داشتند بسیار با ارزش بوده و او با سلاح اخباری‌ها یعنی حدیث و با برتری بر آنان در احاطه به اخبار، جمع بین حدیث ضعیف و موثق و نیز تشخیص و تمییز صحیح و سقیم و اعتراف آنان به احاطه و تخصص او، به مصاف آنان رفت و با مسلک آنان به مخالفت پرداخت و در نقد آنان رساله زبدة الدلیل در فقه استدلالی و رساله منیة المحصلین و احقیة طریقة المجتهدین و رساله فتح باب العلم و الرد علی من یزعم انسداد و رساله بغیة الطالبین فی صحة طریقة المجتهدین نوشت؛ چه بسا آثاری که از این مجاهد در دفاع از فقه آل محمد می‌بینی و چه بسیار است اثر موضعی که مهاجم را در خودش بیچاند.

شاگردان مکتب او

بسیاری از بزرگان شاگردی او کرده و به دست او به جایگاه علمی دست یافته‌اند از آن جمله:

۱. شیخ عبدالنبی الکاظمی (م ۱۲۵۶ ق)؛
۲. سید علی بن سید محمد الامین (م ۱۲۴۹ ق)؛
۳. شیخ محمد رضا زین العابدین بن الشیخ بهاء الدین؛
۴. شیخ احمد بلاغی (م ۱۲۷۰ ق)؛
۵. شیخ محمد اسماعیل خالصی (م ۱۲۳۷ ق)؛
۶. شیخ مهدی فرزند اسد الله تستری (شوشتری)؛
۷. شیخ محمد جعفر دجیلی؛
۸. سید محمد علی بن سید کاظم بن سید محسن، صاحب المحصول؛
۹. شیخ حسین محفوظی العاملی (م ۱۲۴۶ ق)؛
۱۰. سید هاشم سیدرضا؛
۱۱. مولی محمد خوبی؛
۱۲. سید محمد بن مال بن معصوم القطیفی و غیر آنان. اینان برخی از کسانی اند که از آبشخور او سیراب شدند و از دانش او بهره بردند و پناهگاه تحقیقات حوزوی و از بزرگان جامعه علمی عراق و ایران شدند.^۱

پایان زندگی او

بعد از عمری آکنده از تقوی و صلاح و وفور دست آوردهای علمی و موهبت‌های فکری و خلق و خوی متعالی و پیوند گسترده با مردم به ندای پروردگارش در ماه رجب ۱۲۴۲ در شهر کاظمین لیبیک گفت و پسرش سید حسن که بعد از وفات علامه شبر، جانشین او شد بر او نماز خواند. پسرش نیز در سال ۱۲۴۶ ق فوت کرد. مرحوم شبر در کنار پدرش مرحوم محمد رضا

در رواق حرم شریف کاظمین در جوار دو امام حضرت موسی کاظم و محمد جواد علیهم السّلام دفن شد.

مراسم فاتحه خوانی در اغلب شهرهای عراق و ایران از جمله مجلس شیخ العلماء والمجتهدین مرحوم شیخ محمد حسن، صاحب جواهر الکلام، در نجف اشرف برپا شد و شاگردش سید معصوم موسوی قصیده‌ی غرابی را در رثای او سرود:

اروح و فی القلب منی شجوا واغدو و فی القلب منی شجن
 «به شب در می‌آیم در حالی که در قلبم اندوه است، و به روز در می‌آیم در حالی که قلبم غمگین است.»

و ان ابا حسن قد مضی لخلد الجنان و فیها سکن
 «ابا حسن (مرحوم علامه شبر) درگذشت تا در باغ‌های بهشت جاودانه بماند و در آن ساکن شود.»

و خیر ابنیه زارحامه فصبر الفتی ماله من ثمن
 و لازال یغشی ضریحا حواه سلام من اللّٰه ما اللیل جن
 «پس خدا به فرزندان و خویشاوندانش صبر دهد. صبر جوانمردی که بر او قیمت نیست (بس گرانقدر است) مادام که وجودش ضریح را در بر دارد... و مادامی که تاریکی شب همه جا را فرا می‌گیرد سلام خدا بر او باد.»

فرزندان او

از مرحوم شبر فرزندانی به جا ماندند؛ سید حسین که اهل علم بود بعد از ۱۲۸۹ق فوت کرد و سید حسن که او نیز از اهل علم بود جانشین پدر شد و طلاب پیرامون او را گرفتند و از فضل و دانش او استفاده کردند و شاگردان

پدرش نزد او حضور یافتند و او برخی از مصنفات پدرش را تکمیل کرد. سید محمد مال‌الله او را چنین وصف می‌کند: خلف خوبی برای پدر بود اما زمان به او اجازه ماندن نداد و این است شأن زمانه که افراد خوب را گلچین می‌کند.

فرزند دیگر او سید محمد در ۱۲۵۲ق در کربلا وفات یافت و در رواق حرم امام حسین علیه‌السلام دفن شد. دیگر فرزندش سید جعفر که او نیز از بزرگان علمی است به گونه‌ای که برای او شرح بر شرایع الاسلام در مجلدات متعددی ذکر شده و از اثنای شرح او بر می‌آید که در اصفهان ساکن بوده است.

سید موسی و سید جواد که هر دو در ۱۲۴۶ق، سالی که مرض طاعون در عراق منتشر شد، و به عمر بسیاری از مردم خاتمه داد، درگذشتند. از این خانواده عده‌ای از علمای بزرگ برخاسته‌اند که مرجع افاده مردم در امور دینی‌شان و جهت دهندگان آنان در اصلاح امور دنیاشان بوده‌اند.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تألیفات او

تألیفات علامه شبر به طور خلاصه در مقدمه تفسیرالقرآن الکریم تفسیر وجیز (مختصر) او به قلم سید جواد شبر از موسسه اعلمی بیروت، و نیز در مقدمه تفسیرالقرآن الکریم تحت عنوان ترجمه مؤلف التفسیر (صص ۳۴-۳۵، داراحیاء الکتب العربی قاهره) به قلم حامد حفنی داود، به نقل از روضات الجنات و نیز شرح حالی که سید معصوم برای

۱. الجواهر الثمین، ص ۲۰.

علامه شبر نوشته است. همچنین در مقدمه تفسیر و سیط او به نام الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، به قلم سید محمد بحر العلوم آمده است.

تالیفات و تصنیفات او را با رعایت اختصار بر اساس نظم الفبایی از مقدمه تفسیر الجواهر الثمین... نقل می‌کنیم:

۱. احسن التقویم، رساله‌ای درباره نجوم بر حسب آنچه در شرع وارد شده است، چاپ بمبئی (الذریعة، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲. اخلاق سید عبدالله شبر، دارای مقدمه و چهار رکن و ابواب و فصول. در دو کتابش به نام نهج السالکین به عربی و زاد العارفین به فارسی خلاصه کرده است. نسخه‌ای از آن نزد نوه‌اش سید علی بن محمد شبر یافت می‌شود (الذریعة، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ج ۱۲، ص ۵).

۳. الاربعون حدیثا به تربیت حروف الفبایی. مؤلف در آن به اجازه‌اش برای سید محمد تقی قزوینی سال ۱۲۴۰ ق تصریح کرده است (الذریعة، ج ۱۰، ص ۴۲۰).

۴. ارشاد المستبصر در استخاره، از آنچه سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب فتح الغیب خود آورده و در ۱۳۰۶ ق چاپ شده است (الذریعة، ج ۱، ص ۵۲۰).

۵. الانوار الساطعة (در مقدمه تفسیر شبر، چاپ اعلمی، انوار الساعه آمده است) و درباره علوم چهارگانه است؛ «معارف پنجگانه»، «اخلاق»، «عجائب المخلوقات»، «فقه».

۶. انیس الفکرین، دارای شش هزار سطر و مختصر کتاب عجائب الاخبار و نوادر الآثار او است (الذریعة، ج ۲، ص ۴۵۴).

۷. البرهان المبين في فتح ابواب علوم الائمة المعصومين (الذريعة، ج ۳، صص ۱۰۰-۱۰۱).
۸. البرهان بغية الطالبين في صحة طريقة المجتهدين، شش هزار سطر دارد و به نام منية المحصلين که ذکرش خواهد آمد تلخیص کرده است (الذريعة، ج ۳، ص ۱۳۵).
۹. البلاغ المبين في اصول الدين، سه هزار سطر دارد.
۱۰. تحفة الزائر، دوازده هزار سطر دارد (محمّد مال الله، «شرح حال خطی»، ص ۱۰) شاگردش کاظمی گفته است که این کتاب برگردان عربی تحفة الزائر علامة مجلسی است... (الذريعة، ج ۳، صص ۴۳۸-۴۳۹).
۱۱. تحفة المقلد، رسالة فتاوی در همه ابواب فقه، و چاپ شده است (الذريعة، ج ۴، ص ۲۷۰).
- تحفة الزائر دارای مقدمه و دوازده باب و خاتمه و هر باب حاوی چند فصل و شامل شش هزار سطر است (الذريعة، ج ۳، صص ۴۸۸-۴۸۹).
۱۲. تسلية الحزين في فقد الاقارب و البنين، چهار هزار سطر دارد و کتاب خطی آن در کتابخانه نوه دانشمندش سید محمد بن علی بن حسین بن عبدالله شبر (م ۱۳۷۰ق) موجود است (الذريعة، ج ۴، ص ۱۷۸).
۱۳. تسلية الفؤاد في فقد الاولاد، دارای دو هزار سطر است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه شیخ الشریعة است (الذريعة، ج ۴، ص ۱۷۹).
۱۴. تسلية الفؤاد في الموت و المعاد، دارای هشت هزار سطر است و در نزد علامه شیخ آقابزرگ طهرانی به نام مسکن الفؤاد فی روایات المبدأ و المعاد وارد شده است (الذريعة، ج ۲۱، ص ۲۰).
۱۵. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن که در واقع مختصر الجواهر الثمین

فی تفسیر القرآن المبین است که برای اولین بار در تهران در چاپخانه مجلس شورای ملی در ۱۳۵۲ق به تصحیح سید نصرالله صاحب مکتبه التقوی چاپ شده و بعد به طور مکرر و مستقل در مصر و ایران به طبع رسیده است. همچنین در ایران انتشارات اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه در ۱۴۱۴ق، نیز در لبنان مؤسسه اعلمی بیروت در ۱۴۱۵ق، و همچنین در ذیل تفسیر سواطع الالهام الفیضی با مقدمه و تصحیح سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی و مقدمه سید محمد بحر العلوم به چاپ رسانده‌اند. چاپ سوم مصر، در ۱۳۹۷ق / ۱۹۷۷م در داراحیاء التراث العربی صورت گرفته و مقدمه تفسیر آلاء الرحمن شیخ محمدجواد بلاغی نجفی (م ۱۳۵۲ق) نیز در آغاز آن آورده شده است (نک: منابع مختلف، نیز الذریعة، ج ۲۵، ص ۳۲).

۱۶. جامع الاحکام فی الاخبار طهرانی آن را (در الذریعة، ج ۵، صص ۷۱-۷۲) جامع المعارف و الاحکام نامیده است. این کتاب از مجموعه‌های بزرگ بعد از وافى و وسائل و بحار است و دارای چهارده مجلد و در چهارده بخش تقسیم شده است؛ اول: در توحید، دوم: در کفر و ایمان، سوم: در مبدأ و معاد، چهارم: در اصول اصلی، پنجم: در طهارت، ششم: در نماز، هفتم: در زکوة و خمس و روزه و اعتکاف، هشتم: در حج، نهم: در زیارت و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، دهم: در خوردنی و نوشیدنی تا غصب، یازدهم: در غصب و ارث تا آخر، دوازدهم: در نکاح، سیزدهم: در معاملات، چهاردهم: درباره رجال.

علامه شبر این کتاب را تلخیص کرده و آن را دورالاجبار نام نهاده و تلخیص دُر الاخبار را دُر الاخبار و الاثار نامیده است.

جامع المقال فی معرفة الرواة و الرجال، به ملخص المقال فی احوال الرجال مراجعه شود.

۱۷. جلاء العیون، در دو مجلد، در تاریخ و مصائب معصومان علیهم السلام است و آن ترجمه کتاب جلاء العیون محمدباقر مجلسی همراه با تصرف و افزایش مسانید و احادیث و بیان مأخذ آن و شرح الفاظی که نیاز به بیان دارد (الذریعة، ج ۵، ص ۲۵).

۱۸. الجواهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین (این کتاب را مکتبة الالفین در کویت در ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶ م در کویت با مقدمه سید محمد بحر العلوم چاپ کرده است).

۱۹. الجواهر المضیئة در فقه که دارای دو باب طهارت و صلاة است. سه هزار سطر دارد و آن را در اجازه اش به سید محمد تقی بن امیر مؤمن حسینی قزوینی (م ۱۲۷۰ق) نقل کرده است (الذریعة، ج ۵، ص ۲۹۴).

۲۰. حق الیقین فی اصول الدین. در این تألیف بین ادله عقلی و نقلی جمع و در ۱۳۵۳ق در دو جزء در صیداء چاپ کرده و در ۱۳۷۵ق چاپ آن در نجف تجدید شده است.

۲۱. خلاصة التکلیف که در اصول و عبادات و دارای پنج هزار سطر است (الذریعة، ج ۷، ص ۲۲۱).

۲۲. در الآثار و الاخبار، همان طور که گفته شد، تلخیص دوم جامع المعارف و الاحکام است. خود مؤلف در اجازه اش به سید محمد تقی قزوینی به آن اشاره کرده است و نزدیک به سی هزار سطر دارد (الذریعة، ج ۸، ص ۱۱۶).

۲۳. در الاخبار، تلخیص اول از کتاب جامع المعارف همراه با حذف

مسانید و مکررات، دارای چهل هزار سطر و بنا به گفته طهرانی در چهارده مجلد است (الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۰۵).

۲۴. ذریعة النجاة، درباره دعاهای تعقیب صبح و شام، دارای هفت هزار و پانصد سطر (محمّد مال الله، ترجمه المؤلف، ص ۱۰؛ در الذریعة، ج ۱۰، ص ۳۲ آمده است که کتاب هفت هزار سطر دارد).

۲۵. رسالة فی الحجّ، کتابی فقهی و دارای دوهزار و پانصد سطر است.

۲۶. رسالة فی الطهارة و الصّلاة، به فارسی.

۲۷. رسالة العمليہ، در فقه عبادات، به زبان فارسی (الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۱۶).

۲۸. رسالة فی تکلیف الکفار بالفروع، نقل از مقدمه تفسیر القرآن الکریم، چاپ الاعلمی، به قلم سید جواد شبر.

۲۹. رسالة فی عمل الیوم و اللیلة، طهرانی آن را اعمال الیوم و اللیلة و الاسبوع و بعض ادعية الحوادث و العادات نامیده است. مؤلف آن را بعد از روضة العابدین تألیف کرده است و دارای مقدمه و باب‌ها و فصل‌هاست. نسخه خطی آن نزد سید علی السید محمّد، نوه مؤلف، است. رجوع کنید به روضة العابدین در همین فهرست (الذریعة، ج ۲۰، ص ۲۴۸).

۳۰. رسالة فی فتح باب العلم درباره کسانی که باب علم را منسد می‌پندارند.

۳۱. رسالة فی الفقه، در همه باب‌های آن به اختصار، با اشاره به دلیل. در فهرست تألیفات او آمده است و نسخه‌ای از آن در مکتبه المعارف العامة (کتابخانه عمومی معارف) تهران موجود است؛ همان طور که در فهرست (کتب) آن، ج ۱، ص ۱۱۲، آمده است (الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۸۰).

۳۲. رساله فی الکلام، طهرانی آن را با رساله پیشین در فقه ذکر کرده است. درویش‌بن کاظم در ۱۲۳۷ق از استنساخ آن فراغت یافت، نسخه‌ای از آن در المکتبه المعارف العامه موجود است، به طوری که در فهرست آن (ج ۱، ص ۱۱۲) آمده است (الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۸۱).

۳۳. رساله فیما يجب علی الانسان سید مال اللّه. نام این کتاب را در فهرست خود نیاورده است.

۳۴. روضة العابدین و نزهة الذاکرین، در آنچه به ماه‌ها و سال‌ها برمی‌گردد از ماه رمضان شروع کرده و به ماه شعبان خاتمه داده است (الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ ج ۲، صص ۲۴۶ و ۲۴۸).

۳۵. زاد الزائرین، به فارسی. علامه طهرانی می‌گوید در ۱۲۲۵ق از نگارش آن فراغت یافته همان طوری که در ۱۲۲۴ق از نگارش متن آن یعنی تحفة الزائر فراغت یافته است و آن را در کتابخانه صدر دیده‌ام (الذریعة، ج ۱۲، ص ۲).

۳۶. زاد العارفين، به فارسی و درباره اخلاق. عربی آن نهج السالکین نام دارد (الذریعة، ج ۱۲، ص ۵؛ ج ۱، ص ۳۷۶).

۳۷. زبدة الدلیل، موسوم به وجیز (مختصر)، به صورت استدلالی در تمام مباحث فقه. طهرانی می‌گوید جلد اول آن را در کتابخانه نوه‌اش سید محمدبن علی و در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف دیده، در ۱۲۳۳ق از تألیف آن فراغت یافته است (الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۷).

* شرح دعاء الجامعة، به اللامعة فی شرح الجامعة رجوع شود.

* شرح خطبة الزهرا به كشف الحجة فی شرح خطبة اللمة مراجعه شود.

۳۸. شرح دعاء السمات که طهرانی به اسم كشف الحجاب عن الدعاء

- المستجاب یعنی دعاء السمات ذکر کرده است (الذریعة، ج ۱۸، ص ۲۵).
۳۹. شرح نهج البلاغة.
- * شرح النهج الكبير، موسوم به نخبة الشرحین نهج البلاغة ابی الحدید و نهج البلاغة ابن میثم است. در دوازدهم جمادی الاولی عصر پنجشنبه سال ۱۲۴۱ق از نگارش آن فراغت یافته است.
- * شرح النهج الصغير (محمّد بن معصوم، ترجمة المؤلف، ص ۱۳، در الذریعة، ج ۲۴، صص ۱۳۴، ۱۹۶).
۴۰. صفاء القلوب، رساله‌ای در اخلاق که دوهزار و پانصد سطر دارد.
۴۱. صفوة التفاسیر، تفسیر کبیر مرحوم علامه شبیر و حاوی چهار مجلد است و شصت هزار سطر دارد (در «شرح حال خطی مؤلف»؛ نیز در الذریعة، ج ۱۵، ص ۴۸، ۶۲۰۰۰ سطر آمده است). طهرانی به هنگام ذکر این کتاب به رؤیت آن اشاره نکرده است.
- آقای سید مرتضی آیت الله‌زاده شیرازی فرمودند که نسخ خطی آن در دسترس قرار دارد و بزودی چاپ می‌شود.
۴۲. طبّ الاثمه، نزدیک به یازده هزار سطر دارد. نسخه چاپی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۴۰).
۴۳. طبّ المروى، بیست و دوهزار و سیصد سطر دارد و خود مؤلف در اجازه‌اش به سید محمد تقی در ۱۲۴۰ق به تعداد سطرهایش اشاره کرده است (الذریعة، ج ۱۵، صص ۱۴۰ و ۱۴۳).
۴۴. طریق النجاة، هزار و سیصد سطر دارد. شاگردش عبدالنبی آن را در التکملة ذکر کرده است و خود مؤلف آن را در اجازه‌اش به سید محمد تقی در ۱۲۴۰ق یاد آور شده است (الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۶۹).

۴۵. عجائب الاخبار و نوادر الاثار، در دوازده هزار سطر (محمد بن مال الله، ترجمة المؤلف، ص ۱۱؛ نیز در الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۱۸).

۴۶. فقه الامامیة، مختصر و راجع به تمام فقه است. بنابه اظهار شیخ آقا بزرگ طهرانی در سال ۱۳۰۹ ق در بمبئی به چاپ سنگی رسیده است (الذریعة، ج ۶، ص ۲۹۲).

۴۷. فهرست الکتب و مؤلفیها. این فهرست بنابه گفته شیخ آقا بزرگ طهرانی بیست و نه صفحه است و در مجموعه‌ای به شماره ۲۷۸۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و مرحوم دانش پژوه احتمال داده است که تألیف علامه سید عبداللّه شبر باشد (الذریعة، ج ۱۶، ص ۳۹۲).

۴۸. قصص الانبیاء، در آن داستان‌های پیامبران بر اساس آنچه از ائمه معصوم علیهم السلام روایت شده است. دویست هزار سطر دارد. شیخ آقا بزرگ طهرانی گفته است مؤلف در آن کتاب، یادآور شده که آن را بعد از جلاء العیون تألیف کرده است. دارای مقدمه و باب‌ها و فصل‌هاست. نسخه ناقصی از آن در کتابخانه حسینیّه (مکتبه الحسینیّه) در نجف و نسخه کاملی به خط سید جعفر بن سید هاشم بن سید جواد بن سید رضا حسینی کاظمی، برادر سید محسن صباغ وجود دارد. تاریخ کتابت آن ۱۲۷۴ ق است و آن را در کاظمین دیده و نسخه دیگر آن در کتابخانه شیخ فلانی در بغداد موجود بوده است و تاریخ کتابت آن، ۱۲۲۲ ق است (الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۰۳).

۴۹. القرآن و الدعاء که شصت هزار سطر دارد (الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۹).

❖ کشف الحجاب للدعاء المستجاب. ذکر آن در شرح دعاء السمات گذشت.

۵۰. کشف الحجّة فی شرح خطبة اللّمه. از آن روی به «خطبة اللّمه»

نامبردار گشت که حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها آن را در میان جمعی از زنان در مسجد ایراد فرموده است (الذریعة، ج ۱۸، ص ۵۸).

۵۱. اللامعة فی شرح زیارة الجامعة الکبيرة المعروف، دارای چهار هزار سطر و در ۱۳۵۴ق تحت عنوان الانوار اللامعة چاپ شده است (الذریعة، ج ۱۸، ص ۲۷۰).

۵۲. مثير الاحزان فی تعزیه سادات الزمان، هفت هزار سطر دارد. شیخ آقا بزرگ طهرانی می گوید آنچه نزد نوه اش سید محمد بن علی دیده ام و موسوم به مهیج الاخران و مثير الاشجان است شاید غیر این باشد (الذریعة، ج ۱۹، ص ۳۵۰؛ محمد مال الله، ترجمة المؤلف، ص ۱۰).

۵۳. المزار الجامع، بین دو شرح عربی و فارسی است و نزدیک به هفت هزار سطر دارد. بنابه نظر طهرانی، کتاب المزار شش هزار سطر دارد و این سومین کتاب از کتب مزار زیارت او است که نخستین آن تحفة الزائر و دومین آن دنیس الزائرین است. هر دو به عربی است و مؤلف خود در اجازه به سید محمد تقی به آن تصریح کرده است (الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۱۹).

۵۴. مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار، در بیست و هفت هزار سطر و در دو جلد در کتابخانه نوه اش سید محمد بن علی بن الحسین بن عبدالله شبر موجود است (الذریعة، ج ۲۱، ص ۸۵).

۵۵. مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح شرائع الاسلام، همراه با نقل اقوال و جمع الاخبار وافی و وسائل و بحار، مشتمل بر مجلدات متعدد است.

جلد اول: در شرح دیباچه، جلد دوم: در طهارت، جلد سوم: در زکات و خمس و صوم، جلد چهارم: در حج، جلد پنجم: در نذر و حدود و حیائر، جلد ششم: در نکاح، جلد هفتم: در معاملات، جلد هشتم: در قضا و شهادت

تا پایان کتاب (الترجمة الخطیة، ص ۹، و الذریعة ج ۲۱، ص ۸۸).
 طهرانی گفته است پنج مجلد از شرح مفاتیح یاد شده شامل: حج و مزار و حدود و دیات خبائث و اطعمه و اشربه است و در کتابخانه محمد بن علی بن الحسین بن عبدالله شبر موجود است و روز سه‌شنبه نهم جمادی‌الثانیة ۱۲۲۶ از نگارش کتاب الاشریة فراغت یافته است. مجلد بزرگی - درباره نماز و زکات و خمس و روزه تا پایان اعتکاف - از کتاب مصابیح الظلام در کتابخانه مکتبة التستریة در نجف موجود است. و در پشت آن کتاب تغریظ شیخ بزرگ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) به خط شریفش وجود دارد (الذریعة، ج ۲۱، صص ۸۸-۸۹).

۵۶. مصابیح الکلام، در شرح مفاتیح الشرایع، بنابه گفته طهرانی آن مجلد بزرگی است که به غیر از جزءهای آغاز آن به خط مصنف است... (الذریعة، ج ۲۱، صص ۹۰-۹۱).

۵۷. مصباح الساطع، در شرح مفاتیح الشرایع و مختصر مصابیح الظلام است که ذکر آن گذشت و آن در شش مجلد و به صد هزار سطر می‌رسد (الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۰۸).

۵۸. مطلع النیرین، در لغت‌شناسی قرآن و حدیث است و به بیست و سه هزار سطر می‌رسد.

* ملخص جامع معارف الاحکام، به درر الاخبار و درر الاخبار و جواهر الآثار مراجعه شود.

۵۹. ملخص المقال فی احوال الرجال. خود مصنف آن را از کتاب بزرگ جامع المقال فی معرفة الرواة و الرجال خلاصه کرده است و شش هزار و سیصد و پنجاه سطر دارد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آية الله العظمی نجفی

مرعشی وجود دارد (الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۱۳؛ ج ۵، ص ۷۳؛ نیز الکرام البرره، ج ۲، ص ۷۷۹).

۶۰. منتخب جلاء العیون که برگردان عربی کتاب جلاء العیون مجلسی است و مؤلف آن را از جلاء العیون عربی برگزیده و دارای یازده هزار سطر است (الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۹۳).

۶۱. منهج السالکین، در اخلاق است و به هزار سطر می‌رسد. طهرانی گفته است شش هزار سطر دارد و دارای مقدمه و چهارده باب و مترتب بر فصل‌هایی است. سپس می‌افزاید که آن را نزد سید محمدعلی سبزواری در کاظمیه دیده است (الذریعة، ج ۲۳، ص ۱۸۹).

۶۲. منیة المحصلین فی احقیة طریقة المجتهدین، دوازده هزار سطر دارد (الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۰۸).

۶۳. المواعظ و الرسائل و الخطب، به هفتاد هزار سطر می‌رسد (الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۳۰).

۶۴. المواعظ المثورة، به یازده هزار سطر می‌رسد. علامه طهرانی آن را در کاظمیه نزد شیخ عبدالکریم العطار دیده است (الذریعة، ج ۲۳، صص ۱۲۸-۱۲۹).

۶۵. المهذب، باکسر (ذال)، در مکارم اخلاق است و دوازده هزار سطر دارد (الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۹۱).

۶۶. مهیج الاحزان و مشیر الاشجان فی مصائب سادات الزمان، درباره چهارده معصوم علیهم السلام است (سید محمد مال الله در شرح حال استادش که به صورت دستنویس است، این را ذکر کرده است) و در ۲۹ مجلس است. آخرین آن در احوال حجّت علیه السلام است. مؤلف گفته

است که خود آن را تألیف کرده است تا از قرائت برخی از داستان‌های فاسد بی‌نیاز شود. وی در عصر سه‌شنبه ۲۴ صفر ۱۲۲۵ از نگارش آن فراغت یافت. این نسخه در (مجموعه) کتاب‌های سید محمد شبر است. قبلاً ذکر مثیر الاحزان گذشت. طهرانی اضافه می‌کند شاید مثیر الاحزان همین کتاب باشد (الذریعة، ج ۲۳، ص ۲۹۹).

۶۷. نخبة الزائر، که چهارهزار سطر دارد. طهرانی از شیخ نوری در دارالسلام نقل می‌کند که آن شش هزار سطر است و سپس طهرانی می‌افزاید که شاید همان تحية الزائر باشد (الذریعة، ج ۲۴، ص ۹۳).

این مجموعه تألیفات مرحوم سید عبدالله شبر است که با اعتماد به شاگردانش - که هنگام عرضه این فهرست - در آغاز سختم به آن اشاره کرده‌ام و آنان: شیخ عبدالنبی کاظمی، سید محمد بن مال الله قطیفی، سید محمد تقی قزوینی هستند. و نیز از آنچه مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب با ارزش الذریعة الی تصانیف الشیعة خود آورده ذکر کرده‌ام.^۱

برای اطلاع بیشتر، به مقدمه سید محمد بحرالعلوم بر الجواهر الثمین و مصنفاته و مؤلفاته و نیز تفسیر القرآن الکریم علامه شبر با مقدمه حامد حغنی داود (طبع سوم، ۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م، صص ۳۴-۳۵) و همچنین تفسیر القرآن الکریم علامه شبر با مقدمه سید جواد شبر (طبع بیروت، موسسه الاعلمی) مراجعه شود.

آثار علامه شبر در تفسیر

تفسیرهای او از دقت ادبی، فقهی و حدیثی والایی برخوردار است. این بدان

سبب است که او از دانش و معرفت وسیع و ژرفی در زمینه‌های یاد شده بهره‌مند بوده و همین معرفت گسترده تا حدی به او توان غواصی در ژرفای قرآن کریم داده است. تعدّد آثار او در زمینه‌های مختلف، دلیلی بر گستردگی دانش او است. در تفسیر آیات کریمه در عین اتکا بر احادیث معصومان علیهم‌السلام از شواهد قرآنی و ادبی بهره فراوان برده است.

تفسیر او از سستی تعبیر و سفسطه لفظی دور است و جملات آن در جای بایسته خود نهاده شده است. نویسنده علاوه بر شعور بالا، احساس مسئولیت والایی داشته لذا تفسیرش علاوه بر اتکا بر احادیث معصومان علیهم‌السلام همراه با شواهد قرآنی و تاریخی و... است. چون کتاب خدا با رأی و استحسان و ظنون تفسیر نمی‌شود. مؤلف در اندیشه‌اش اصالت دارد و در آنچه می‌گوید و می‌نویسد آمیختگی و ابهام نیست. روش او ویژگی دارد، مؤلف به خوبی توانسته بین دقت در ادای معنی و ایجاز در عبارت و نگارش باگزینش جمع کند. تفسیر او به سبب فشردگی و ایجاز و کاربرد اصطلاحات، متخصصان را به کار می‌آید همان طور که به دلیل روشنی و روانی بیان برای مبتدی مفید است. توجه جست و جوگرانه مؤلف نسبت به ادای وجوه قراءات روایت شده از پیشینیان، وجوه معروف نزد علمای قرائت، به گونه‌ای است که در تفسیر خود به ابراز وجوه قراءات توجه دارد. علامه شبر تفسیر خود را با اهتمام به بحث‌های لفظی و لغوی و ادبی و با آوردن شواهد حدیثی، غنا بخشیده است. به سبب عنایت بسیارش به معانی لغوی، جایگاه اعرابی بیش تر کلمات را بیان می‌کند تا صحیح خواندن را بر قاری آسان نماید و معنا را از طریق لفظ توضیح دهد و در جایی که ضرورت داشته است در حد معقول و متناسب با موضوع، بدون تعصب،

رای مبتنی بر عقیده‌اش را بیان می‌دارد و همان‌طور که در مقدمه تفسیر و جیز (مختصر) خود وعده داده گوهرهای تفسیری و آراء نکویش را به سرچشمه اصلی آن - علوم ائمه اثناعشری، بخصوص امام اول علی بن ابیطالب علیه السلام و امام ششم ابو عبدالله جعفر الصادق علیه السلام رئیس مذهب و پرچمدار فقه اهل بیت استناد داده است.

و جایی که بیان اختلاف لغوی برای روشن کردن مطالب کافی نبوده است با آوردن نصوص و دعا‌های رسیده از اهل بیت نبوت علیهم السلام بر روشنی آن افزوده است و دیگر این که توانسته آراء مفسران امامیه را اعم از متقدمان و متأخران تا زمان خود فراهم کند و کوشیده است آن را متناسب با نیاز برگزیند و با آمیختن آرای که مؤید رأی او است تفسیر خود را پربار کند.

علامه شبر در تفسیرش به نیاز مردم زمان خودش به فهم قرآن، از نزدیک‌ترین راه بدون زیاده‌روی در تأویل همراه با تمرکز و ایجاز توجه داشته و خواسته است فهم قرآن را بر قاری و خواننده آسان کند و وقت و کوشش او را در مطالب طولانی - که به آن نیاز ندارد و معمولاً متخصصان را به کار می‌آید - تلف و تباه نکند.^۱

اشکالات چاپی و تفاسیر منتشره علامه شبر و جدول سنجشی آن همان‌طور که قبلاً گذشت، تفسیر و جیز (با مختصر شبر که به نام تفسیر القرآن الکریم بارها در تهران و قاهره و بیروت به طور مستقل و غیرمستقل ذیل سواطع الالهام فیضی) به چاپ رسید که دارای اشکالات چاپی و غیرچاپی فراوان است. بسیاری از اشتباه‌های چاپی و اغلاط چاپ نسخه داراحیاء

التراث العربی عیناً در نسخه چاپ اسوه (تهران) تکرار شده است و در چاپ الاعلمی بیروت برخی اشکالات و اغلاط رفع و تصحیح شده و پاره‌ای همچنان مانده است. چاپ چهارم نسخه داراحیاء التراث العربی اشتباهات و اغلاط چاپ سوم را تکرار کرده است. چاپ اسوه با آنکه چنین اشکالاتی دارد از این محاسن برخوردار است: شماره آیات کریمه در متن تفسیر ذکر شده که یافتن آیه و تفسیر آن را آسان کرده است و دیگر آنکه آیات با حروف برجستفوقوشته شده است، لذا تشخیص متن از نص آیات کریمه آسان‌تر گردیده است و نیز نسخه اعلمی علاوه بر آنکه بعضی از اغلاط چاپی نسخه داراحیاء التراث العربی را اصلاح کرده، آیات کریمه را با حروف برجسته آورده لذا تشخیص آیه از متن تفسیر آسان‌تر شده است. جدولی که فراهم شده است، حاصل سنجش سه نسخه از چاپ‌های مختلف تفسیر علامه با یکدیگر و مراجعه به کتب گوناگون بخصوص تفسیر الجواهر الثمین علامه شبیر و تفسیر الصافی ملامحسن فیض کاشانی و تفسیر بیضاوی و... است.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

جدول اشکالات چاپی و غیر چاپی سه نسخه طبع قاهره، اسوه و اعلمی
تفسیر شبر به صورت سنجشی و مقابله ای و شکل صحیح آن

شماره آیه	شماره آیه	دار احیاء قاهره التراث	شماره	اسوه نهران	شماره	اعلمی بیروت	شماره	صحیح
۱	۱	ابلیغ الاقتصاء	۳۸	ابلیغ الاقتصاء	۱۴	ابلیغ الاقتصاء	۱۴	ابلیغ الاقتصاء
۵	۱	لتوافق الفواصل	۳۹	لتوافق الفواصل	۱۶	لتوافق الفواصل	۱۶	لتوافق الفواصل
۷	۲	لمناسبه وحده المدرك	۴۱	لمناسبه وحده المدرك	۱۹	لمناسبه وحده المدرك	۱۶	لمناسبته لوحده المدرك (افزایش ده به لمناسبته و قل به وحده)
۷۱	۲	قاتل	۵۰	قاتل	۳۴	قاتل	۲۴	قاتل
۸۷	۲	الكتب و التوراه	۵۲	الكتب	۳۸	الكتب و التوراه	۲۶	الكتب و قفيا
۸۷	۲	للفضاءه	۵۲	للفضاءه	۳۸	للفضاءه	۲۶	لفضاءه
۸۷	۲	المفاصله	۵۲	المفاصله	۳۸	المفاصله	-	للمفاصله
۹۶	۲	لالى اخدمهم	۵۴	لالى اخدمهم	-	لالى اخدمهم	۲۷	الى اخدمهم
۱۰۳	۲	لايشوا	۵۵	لايشوا	۲۳	لايشوا	۲۸	لايشوا
۱۱۸	۲	ارنالله جهره هل يستطیع	۵۷	ارنالله جهره هل يستطیع	۲۷	ارنالله جهره و هل يستطیع	۳۰	ارنالله جهره و يستطیع
۱۲۸	۲	امه	۵۹	امه	۲۹	امه	۳۱	امه
۱۳۵	۲	ادعوا اتباعه	۶۰	ادعوا اتباعه	۵۱	ادعوا اتباعه	۳۲	ادعوا اتباعه
۱۳۶	۲	المقود	۶۳	المقود	۵۷	المقود	۳۵	المقود
۱۳۸	۲	صفته	۶۲	صفته	۵۸	صفته	۳۶	صفته
۱۸۵	۲	وانزل فی شانہ	۶۶	وانزل فی شانہ	۶۲	وانزل فی شانہ	۳۸	وانزل فی شانہ
۲۰۷	۲	بيهما	۷۰	بيهما	۶۸	بيهما	۴۱	بيهما

شماره آیه	شماره آیه	دار احیاء قاهره التراث	شماره	اسوه نهران	شماره	اعلمی بیروت	شماره	صحیح
۲۱۹	۲	نماطیها	۷۱	نماطیها	۷۱	نماطیها	۲۱	نماطیها
۲۳۳	۲	یختص	۷۵	یختص	۷۶	یختص	۲۶	یختص
۲۳۶	۲	لان تعرضوا	۷۵	لان تعرضوا	۷۸	لان تعرضوا	۲۶	الان تعرضوا
۲۶۴	۲	المتأفین	۸۰	المتأفین	۸۷	المتأفین	۵۱	المتأفین
۲۸۲	۲	اونهن عن الفرار بها	۸۴	اونهن عن الفرار بها	۹۳	اونهن عن الفرار بها	۵۴	اونهن عن الفرار بها
۲	۳	غيرهما	۸۵	غيرهما	۹۵	غيرهما	۵۵	غيرها
۸	۳	قلوبنا	۸۶	قلوبنا	۹۶	قلوبنا	۵۶	قلوبنا
۱۷	۳	عن المعاصي	۸۷	عن المعاصي	۹۸	عن المعاصي	۵۷	وعن المعاصي
۲۳	۳	اختيار	۸۸	اختيار	۱۰۰	الاخبار	۵۷	الاخبار
۳۵	۳	حنه	۸۹	حنه	۱۰۲	حنه	۵۹	حنه
۴۵	۳	لانه	۹۰	لانه	۱۰۵	لان	۶۰	لان
۵۵	۳	خير المكرين	۹۱	خير المكرين	۱۰۷	خير المكرين	۶۱	خير المكرين
۶۱	۳	الهله	—	الهله	۱۰۸	الهله	۶۱	الهله
۱۱۲	۳	ذلك (خارج از آیه)	۹۷	ذلك (جزو آیه)	۱۱۷	ذلك (خارج از آیه آورده شده است)	۶۷	ذلك جزو آیه است
۱۱۵	۳	باليه	۹۷	باليه	۱۱۸	باليه	۶۷	باليه
۱۲۴	۳	ظرف لينصركم	۹۸	ظرف لينصركم	۱۱۹	ظرف لنصرکم	۶۸	ظرف لنصرکم
۱۲۸	۳	مفترضه	—	مفترضه	—	مفترضه	۶۹	مفترضه
۱۴۰	۳	الذم	۱۰۰	الذم	۱۲۲	الذم	۷۰	الذم
۱۴۰	۳	لأنها	۱۰۰	لأنها	۱۲۲	لأنها	۷۰	لأنها
۱۵۴	۳	للمصالح	۱۰۲	للمصالح	۱۲۵	للمصالح	۷۱	للمصالح

شماره آیه	شماره آیه	دار احیاء قاهره التراث	شماره	اسوة نهران	شماره	اعلمی بیروت	شماره	صحیح
۱۵۶	۳	لاجلهم	۱۰۲	لاجلهم	۱۲۶	لاهلهم	۷۲	لاهلهم
۱۶۲	۳	یوفی ما کسب	۱۰۳	یوفی ما کسب	۱۲۷	یوفی ما کسب	۷۲	یوفی ما کسب
۱۶۳	۳	ذو	۱۰۳	ذو	۱۲۷	ذو	۷۳	ذو
۱۶۸	۳	لاجلهم	۱۰۳	لاجلهم	۱۲۸	لاهلهم	۷۳	لاهلهم
۱۸۲	۳	الکتاب المتضمن	۱۰۵	الکتاب المتضمن	۱۲۸	الکتاب المتضمن	۷۵	هو الکتاب المتضمن
۱۸۲	۳	الرواجر	۱۰۵	الرواجر	۱۳۱	الرواجر	۷۵	الرواجر
۱۹۸	۳	ما بعد التازل	۱۰۷	ما بعد التازل	۱۳۵	ما بعد التازل	۷۶	ما بعد التازل من الکراه
۳	۴	ولو افردت	۱۰۸	ولو افردت	—	ولو افردت	۷۷	ولو افردت
۴	۴	فکلوا	۱۰۸	فکلوا	۱۳۷	فکلوا	۷۷	فکلوا
۱۲	۴	والبیتان لیس رحما	۱۰۹	—	۸۷	والبیتان لیس رحما	۸۷	والبیتان لیس رحما
۱۸	۴	فیهما یعاملهم به	۱۱۰	فیهما یعاملهم به	۱۴۱	فی ما یعاملهم	۸۰	فی ما یعاملهم
۲۳	۴	لما قبله یبده	۱۱۱	لما قبله یبده	۱۴۲	لما قبله یبده	۸۰	لما قبله یبده
۲۵	۴	(حذف شده است)	۱۱۲	وان تصبروا خیر لکم	۱۴۴	وان تصبروا خیر لکم	۸۱	وان تصبروا خیر لکم
۲۹	۴	المتابین	۱۱۳	المتابین	۱۴۵	المتابین	۸۲	المتابین
۳۱	۴	الی السیمه	۱۱۳	الی السیمه	۱۴۵	الی السیمه	۸۲	الی السیمه
۵۲	۴	ام یحسدون	۱۱۷	ام یحسدون الناس	۱۵۲	ام یحسدون الناس	۸۲	ام یحسدون الناس
۶۹	۴	ومن یطع الله	۱۱۸	ومن یطع الله	۱۵۵	ومن یطع الله	۸۶	ومن یطع الله
۷۷	۴	واذا فریق	۱۱۹	اذا فریق	۱۵۶	واذا فریق	۸۷	اذا فریق
۱۲۳	۴	لاصابیرین	۱۲۸	لاصابیرین	۱۷۲	لاصابیرین	۹۶	صائبین

١. علامه سيد عبدالله شبر، الجواهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين، با مقدمة سيد محمّد بحر العلوم، ١٤٠٧ق، ١٩٨٦ م، ص ١٤ به بعد.
٢. علامه شبر، تفسير القرآن الكريم، بيروت، مؤسسة الاعلمى، با مقدمة سيد جواد شبر، ١٤١٥ق/ ١٩٩٥ م، ص ٥٠.
٣. علامه شبر، الجواهر الثمين...، پيشين، ص ١٥.
٤. علامه شبر، التفسير القرآن الكريم، پيشين، ص ٦.
٥. همان، ص ٦.
٦. علامه شبر، الجواهر الثمين، پيشين، صص ١٦-١٧.
٧. همان، صص ١٦-١٧.
٨. همان، ص ١٨.
٩. علامه شبر، التفسير القرآن الكريم، پيشين، ص ٦.
١٠. همان، ص ٧.
١١. همان، ص ١١.
١٢. علامه شبر، الجواهر الثمين...، پيشين، صص ٩-١٨.
١٣. همان، صص ١٩-٢٠.
١٤. همان، صص ٢٠-٢١.
١٥. همان، صص ٢٠-٢١.
١٦. همان، ص...؛ التفسير القرآن الكريم، پيشين، ص...، التفسير القرآن الكريم، مقدمة خفنى داود، ص....

منابع

- قرآن کریم، به خط عثمان طه، با قرائت عاصم به روایت حفص، تهران، انتشارات اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۵.
- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، به خط حبیب‌الله فضائلی، تهران، سروش، واحد احیای هنرهای اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- قرآن مجید، ترجمه کاظم پورجوادی، تهران، دائرةالمعارف اسلامی، ۱۴۱۴، ۱۳۷۲ ش.
- قرآن مجید، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، با توضیحات و واژه‌نامه، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۴ ش.
- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف، ۱۳۷۴ ش.
- قرآن مجید، آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ق.
- تفسیر القرآن الکریم، تهران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- تفسیر القرآن الکریم، با مقدمه سید جواد شبر، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
- تفسیر القرآن الکریم، با مقدمه حامد حفنی داود، به ضمیمه مقدمه تفسیر آلاء الرحمن محمد جواد بلاغی نجفی، قاهره، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م.
- الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، با مقدمه سید محمد بحر العلوم، در ۶ جزء، الکویت، مکتبه الالفین، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م، ابن‌النباری، ابوالبرکات، (۵۱۳-۵۷۷):
- البیان فی غریب اعراب القرآن، تحقیق طه عبدالحمید طه، جلد اول، قم، انتشارات، ۱۴۰۳ ق / ۱۳۶۲ ش.

- البيضاوى، ناصرالدين ابى سعيد عبد الله (م ۷۹۱هـ).
- تفسير البيضاوى = انوار التنزيل و اسرار التأويل (ج ۲) ج ۱، و سورة الفاتحه، سورة الاسراء، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸ م.
- تفسير اثني عشرى، حسينى شاه عبد العظيمى، حسين بن احمد (۱۳۱۸-۱۳۸۴) (ج ۱۴) ج ۱، از سورة حمد تا پايان سورة بقره؛ ج ۲، از سورة آل عمران تا سورة نساء، تهران، ميقات، تابستان ۱۳۶۳.
- روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، حسين بن على بن محمد بن احمد الخزاعى النيسابورى (مشهور به تفسير شيخ الوالفتوح رازى)، ۲۰ ج، تصحيح ياحقى ناصح، بنياد پژوهشهاى اسلامى، ۱۳۷۱ ش.
- روح الجنان و روح الجنان، تصحيح و حواشى حاج ميرزا ابوالحسن شعرانى، تصحيح على اكبر غفارى، تهران، كتابفروشى اسلاميه، ۱۳۵۶ ش.
- المفردات فى غريب القرآن، راغب اصفهانى، حسين، تحقيق محمد سيد گيلانى، تهران، المكتبة المرتضويه، ۱۳۳۲ ش.
- تفسير شريف لاهيجى، شريف لاهيجى، بهالدين محمد بن شيخعلى، با مقدمه و تصحيح ميرجلال الدين حسينى و محمد ابراهيم آيتى، ج ۱ (سورة فاتحة الكتاب - انعام)، تهران، مؤسسه مطبوعاتى علمى، نشرية شماره ۸، اداره كل اوقاف.
- الميزان فى تفسير القرآن، علامه طباطبائى، سيد محمد حسين، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ۱۳۹۳ق/ ۱۹۷۳ م.
- تفسير الميزان، سيد محمد باقر موسوى همدانى و ديگران، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ (به بعد).
- طبرسى، امين الدين ابو على الفضل بن الحسن (م ۵۴۸).
- ترجمة تفسير مجمع البيان... = حسين نورى.
- دکتر محمد مفتاح، تهران، فراهانى (۲۷ مجلد).
- تفسير جوامع الجامع، مقدمه و تصحيح و تعليقات از ابوالقاسم گرجى (ج ۱)، از

- سوره حمد - اعراف)، تهران، دانشگاه تهران، ش ۱۹۶۵، ۱۳۷۱ ش.
- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، عبدالباقی، محمدفواد، بحاشیه المصحف الشریف، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، فیض کاشانی، مولی محسن، ج ۱۰، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۶ ش.
- مبایذی فقه و اصول، فیض، علیرضا: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۱۸۵۰، ۱۳۷۳ ش.
- تفسیر نور، قرائتی، محسن (ج ۱)، سوره حمد - بقره؛ ج ۲، سوره آل عمران - نساء) قم، مؤسسه در راه حق، تابستان ۱۳۷۵.
- مشکل اعراب القرآن، القیسی، مکی بن ابی طالب، ج ۱، محقق یاسین محمد - السواسس، با مقدمه علیرضا میرزا محمد، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، بهار ۱۳۶۲.
- تفسیر روشن... در تفسیر لغات و حقایق، مصطفوی، حسن (ج ۱)، سوره فاتحه و سوره بقره تا آیه ۸۸؛ ج ۲، سوره بقره از آیه ۸۹ تا ۱۸۹؛ ج ۳، سوره بقره از آیه ۱۹۰ تا ۲۷۲، تهران، سروش، ۱۳۷۴ ش. و... المعجم الوسیط (ج ۱ و ۲)، مجمع اللغة العربیة، دکتر ابراهیم انیس و دیگران، تهران، انتشارات ناصر خسرو، طبع ۲، ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲ م.
- التفسیر المبین، مغنیه، محمدجواد، دارالکتب الاسلامی، طبع ۲، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۹۳ م.
- خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، اثر خواجه عبدالله انصاری، تألیف احمد میبیدی، نگارش حبیب ا... آموزگار، تهران، اقبال، ۱۳۶۸ ش.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی